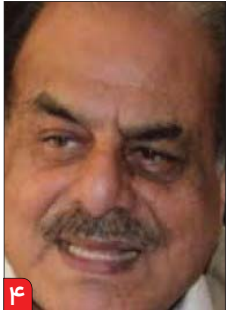


مرگ هایی که زندگی می بخشد

درست مانند مرگ دیگر سران تروریسم از ملا عمر تا رهبر شبکه حقانی. حمید گل از نظر مردم افغانستان، مغز متفکر افراط گرایی و تروریسم و مسئول قتل هزاران شهروند افغانستان بود. او با زندگی اش، برای مردم افغانستان مرگ می آفرید، اینک با مرگش برای همین مردم، زندگی می بخشد.



برخی رسانه ها در افغانستان به سود شبکه های هراس افکنی و افراطیت تبلیغ می کنند

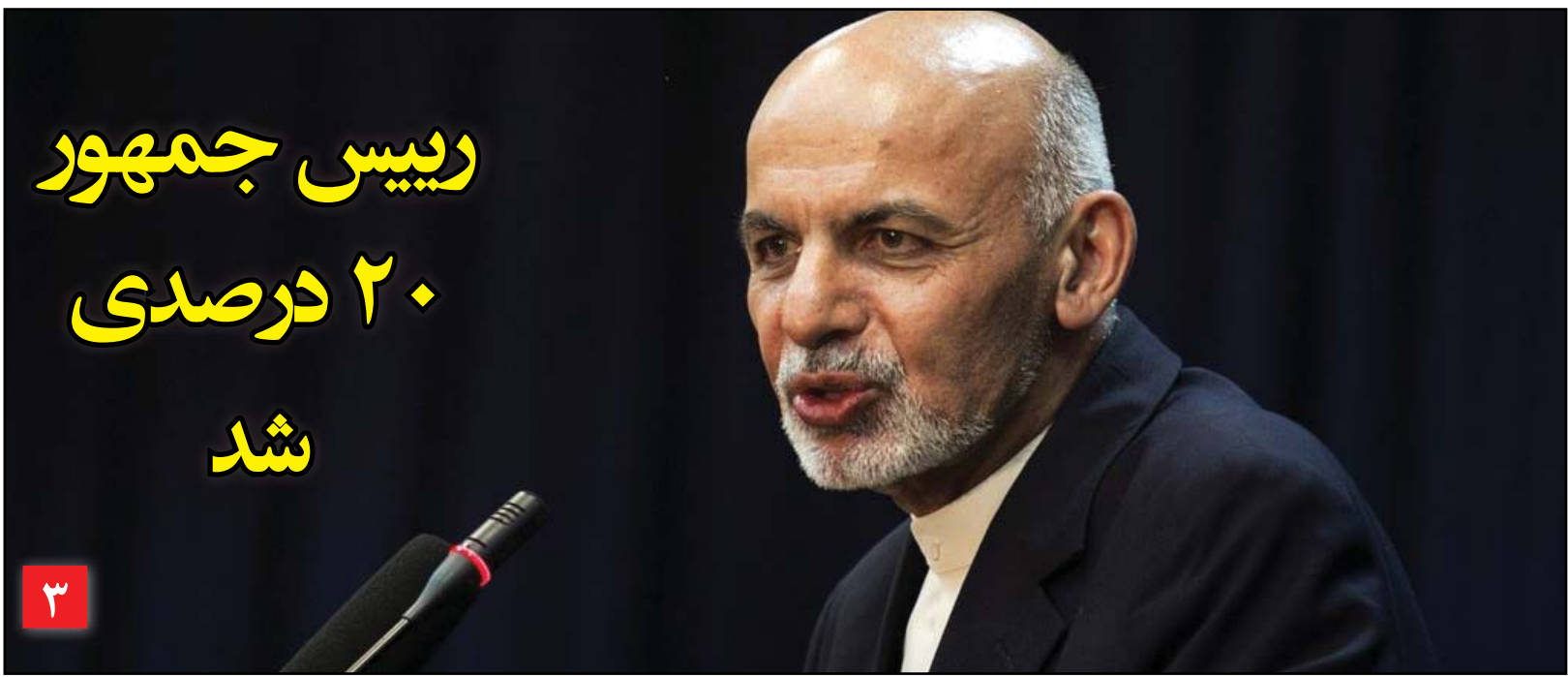
وزیر اطلاعات و فرهنگ با بیان اینکه افراطیت از نقش رسانه ها استفاده ابزاری می کند تصریح کرد: برخی رسانه ها خواسته یا ناخواسته به تبلیغاتی می پردازند که به سود پدیده افراطیت است.



از گسترش جنگ تا تحریم داروهای پاکستانی

په سمت پیک جنگ اعلام شده می رویم؟

♦ به باور کارشناسان، جنگ در فاریاب همان گونه که جنرال دوستم هم گفته است، جنگ همه مردم افغانستان است. از سوی دیگر به گفته او، پشت سر تروریست های در حال جنگ در فاریاب و سایر نقاط کشور، آی اس آی قرار دارد؛ بنابراین، هرچه دامنه جنگ با تروریسم گسترده تر می شود، ابعاد جنگ افغانستان و پاکستان نیز گسترش پیدا می کند.



رییس جمهور ۲۰ درصدی شد

۳

یادداشت

عمل شتابزده زاده ی ذهن مشوش!

خبرگزاری آوا- سرویس تحلیل و پژوهش اخبار روز یک شنبه گذشته خبرنامه ای از سوی ارگ ریاست جمهوری افغانستان منتشر شد که خبر از تاخیر توزیع شناسنامه های الکترونیکی می داد.

این درحالی است که تا هنوز چندین بار به توزیع شناسنامه تاکید رفته اما دوباره به تاخیر افتاده است.

آخرین بار جلسه شورای وزیران به ریاست رئیس اجرائی کشور تصویب کرده بود که دوره آزمایشی توزیع شناسنامه الکترونیکی - که به غلط تذکره برقی نام گرفته است- در ۲۸ اسد سال جاری آغاز خواهد شد.

انتخاب این روز به نظر می رسد به صورت نمادین و سمبولیک بوده باشد؛ زیرا این روز مصادف است با سالروز استرداد استقلال افغانستان توسط شاه امان الله در سال ۱۹۱۹. این پرسش مطرح می شود که چرا یک رخداد کوچک این همه تاثیر بزرگ بر جای می گذارد و این همه باعث بگو مگوهای سیاسی می شود؟

واقعیت آنست که علی رغم گذشت چهارده سال از عمر حکومت داری جدید در کشور، هنوز حکومت گران افغانستان نمی دانند که با مردم خود چگونه رفتار کنند. دوم آنکه هنوز در کارهای حکومت اولویت بندی دیده نمی شود، معلوم نیست که کدام کار حکومت در اولویت نخست قرار دارد و کدام یکی مقام دوم یا سوم را احراز می کند.

در هفته اخیر وقتی عکس شناسنامه های الکترونیکی در صفحه های فیسبوک منتشر شد این پرسش را بر انگیزت که چرا دستگاه اجرایی طراح صفحه شناسنامه، قطار شتر را بر روی صفحه آن قرار داده است.

این قطار شتر توجهات و تبصره های گوناگونی در پی داشت. برخی گفتند شناسنامه یک سند ملی است باید طریحی روی آن انجام می پذیرفت که همه مردم متعلق آن باشد نه یک قوم، یک مذهب و یا یک دیدگاه خاص سیاسی.

ترسیم قطار شتر در شناسنامه بیانگر آنست که هنوز جامعه افغانستان به حالت بدوی و کوچی گری زیست می نماید و نشان می دهد که هنوز مردم به گذشته تعلق دارد نه به دنیای کنونی.

لذا از دولت خواستند که عکس های شترها را از روی شناسنامه بردارد.

برخی اظهار داشتند که از میان این همه ابدات تاریخی که بیانگر تمدن و فرهنگ کشور است، چرا قطار شتر انتخاب شده است؛ و هشدار دادند که باید یکی از ابدات تاریخی به جای شتر قرار گیرد.

علت این همه انتقاد از یک برگ شناسنامه چیست؛ آیا مردم بیش از حق خود از حکومت انتقاد می کنند، یا آن که مثلا عوامل دیگری سبب می شود که حکومت با انتقاد صریح مردم مواجه شود؟

به هر صورت آنچه که از جانب حکومت ارایه می شود مورد رضایت مردم قرار نمی گیرد و گاهی اعتراض های اجتماعی را به همراه می آورد.

متأسفانه این گونه پرسش ها نیز از سوی حکومت پاسخ داده نمی شود تا مردم در روشنایی اظهارات حکومت گران قرار گیرند و قناعت حاصل کنند.

گویا سران حکومت هم در توهم بسر می برند و گمان می کنند که بیش از مردم کوچه و بازار می دانند و آگاهند و بر منافع مردم بیش از آنها اشراف دارند.

اما به دید این قلم، آنچه در صفحات اجتماعی بازتاب یافته و ...

ادامه در صفحه ۲

برق تذکره های الکترونیکی رفت!

به اساس فیصله شورای وزیران قرار بود از روز چهارشنبه (۲۸ اسد) روند توزیع آزمایشی تذکره های الکترونیکی آغاز شود اما در جلسه روز یکشنبه ریاست جمهور با کارمندان تذکره برقی اعلان شد که روند توزیع به تعویق افتاده است. به گزارش خبرگزاری آوا در اعلامیه ریاست جمهوری آمده: شام روز یکشنبه محمد اشرف غنی رییس جمهور در جریان جلسه ای در ارگ، ابعاد مختلف آغاز روند آزمایشی توزیع شناسنامه های الکترونیکی را مورد بحث قرار داده است. در اعلامیه تاکید شده است « جلسه، توزیع تذکره الکترونیکی را یک پروژه ملی و آغاز توزیع آنرا یک روز مهم دانسته، فیصله کرد تا مرحله آزمایشی آن در روزهای آینده طی یک محفل باشکوه با اشتراک رهبران و شخصیت های سیاسی، بزرگان و منتفدین کشور آغاز گردد؛ نه در روز ۲۸ اسد. با وجود اعلام آمادگی برای آغاز روند توزیع تذکره الکترونیکی از سوی دستگاه های مربوطه، برخی از آگاهان امور سیاسی به خیر تعویق آغاز روند این تذکره واکنش نشان داده و دستان خارجی را در این امر دخیل می دانند. عبدالسلام قاضی زاده، آگاه امور سیاسی در واکنش به تاخیر روند آزمایشی تذکره های برقی به خبرگزاری آوا گفت: سرنوشت افغانستان را کسانی دیگر رقم می زنند و نمی خواهند که مردم افغانستان تذکره برقی داشته باشند. وی در تشریح علت سنگ اندازی خارجی در پروسه ی تذکره های الکترونیکی گفت: خارجی ها با بهره برداری از

شرایط موجود با نفوذ در نهادهای سیاسی و امنیتی ضمن دنبال کردن اهداف خود، ضربات محکمی به ملت، نظام و نیروهای امنیتی وارد می کنند. در عین حال فاطمه عزیز؛ نماینده مردم قندوز اهداف سیاسی را دلیل تعویق آغاز توزیع تذکره های الکترونیکی عنوان می کند و می گوید در عقب این تاخیرها زد و بندها و اهداف سیاسی وجود دارد که نمی خواهند که روند توسعه افغانستان تسریع شود». به باور وی دولت مردان به دنبال تقلب در انتخابات آینده هستند و با رای های خرواری، اقوام خویش را به پارلمان و یا شورای های ولسوالی ها وارد می کنند. خانم عزیز گفت: «تمام ناهنجاری هایی که دامن گیر ملت و دولت افغانستان است از نبود هویت و تذکره برقی می باشد و در چنین شرایطی هر خارجی می تواند نام تبعه افغانستان تذکره بگیرد و در کشور مشکل ایجاد کند.

احمد سعیدی؛ تحلیل گر مسایل سیاسی، نظری دیگر دارد و معتقد است علت تاخیر کلمه افغان و غیر افغان می باشد. وی به خبرنگار ما گفت: پارلمان تایید کرده که نام اقوام در تذکره برقی ذکر شوند چیزی که رئیس جمهور با آن مخالف است و نمی خواهد نام اقوام ذکر شود، باید تنها افغان در تذکره درج شود.

سعیدی در پاسخ به سوالی که چرا این دولت این مشکل را حل نمی کند گفت: «ما از دولت مزدور و بی کفایت چی توقع داشته باشیم»

دعوت

۲۸ اسد؛ سالروز استرداد استقلال کشور و رهایی از بند استبداد و استکبار وقت به عموم مردم غیور و ملت سرافراز افغانستان مبارک باد. بدین مناسبت نشست علمی و تحلیلی تحت عنوان «۲۸ اسد؛ پیام آور شادی و ارمغان خاکستری» با حضور چهره های علمی و فرهنگی اساتید و طلاب حوزه علمیه، متعلمین و محصلین، پژوهشگران و اندیشمندان برگزار می گردد، لذا از عموم هموطنان عزیز دعوت می شود که با حضور خویش به غنمانندی این نشست علمی و فرهنگی بیافزایند. موضوعات نشست:

- ۱- راهکارهای دستیابی به استقلال سیاسی و فرهنگی.
 - ۲- آسیب ها و پیامدهای نداشتن استقلال سیاسی و فرهنگی.
 - ۳- نقش ۲۸ اسد در شکوفایی افغانستان.
- زمان: روز پنجشنبه ۲۹ اسد ۱۳۹۴ ساعت ۹:۳۰ صبح الی ۱۱ صبح
مکان: ابتدای جاده شهید مزاری، کوچه مسجد حضرت وعلی عصر(عج)(کوچه بابا شربت) ساختمان ۲۳۹

مرکز فعالیت های فرهنگی اجتماعی تیبان
دفتر مرکزی کابل

برنامه های اقتصادی رییس جمهور از ایده تا اجرا

جلسه ای به منظور بحث روی طرح احداث سرک حلقه ای کابل در ارگ ریاست جمهوری برگزار شد. این جلسه تحت ریاست اشرف غنی؛ رئیس جمهور، با اشتراک وزرای شهرسازی، فواید عامه و ترانسپورت، سرپرست شهرداری کابل، امرالله صالح؛ رئیس پیشین امنیت ملی و شماری از مسؤولین دولتی برگزار شد. وزیر فواید عامه طرح احداث سرک حلقه ای کابل را به این جلسه ارائه کرد و پیشنهاد نمود که برای تطبیق این طرح، گروهی کاری متشکل از وزارت های فواید عامه و شهرسازی، شهرداری کابل و اداره اراضی و آب، موظف شود.

رئیس جمهور گفت که سرک حلقه ای کابل نه تنها یک سرک؛ بلکه یک پروژه همه جانبه انکشاف شهری است. اشرف غنی سهم گیری مردم، دورنمای امنیتی، تاثیرات اجتماعی و مسایل استملاک، به شمول امور زیربنایی را در ساخت این سرک مهم دانست. وی احداث این سرک را یک تصمیم مهم اقتصادی خواند و آینده خوب اقتصادی کابل را وابسته به این سرک دانست. این اما تنها طرح بزرگ اقتصادی دولت اشرف غنی نیست...

ادامه در صفحه ۲

شرکت غذایی عبادی

بنام صلوات اجتهاد و برکت افغانستان

انواع چای، ماکارونی، آرد، پودر دسختی، کیک و کلمچه، انواع نوشابه و آبمیوه و دوغ، مرغ زنده و منجمد، تخم مرغ، بسته خورما و شیرین و روشن مایع و چکنود و غیره قیمت در لیست

شماره تماس: ۰۰۹۸۳۹۳۳۷۱۵۹۶۲



یادداشت

عمل شناخته

زاده ی ذهن مشوش!

ادامه از صفحه اول / تاخیرهای مکرری که در توزیع شناسنامه الکترونیکی بوجود آمده است، همه ناشی از ذهن پُر تشویش حکومت گران افغانستان است. توضیح این که حکومت افغانستان متاسفانه به شعاری که می دهد باور ندارد. زیرا؛ حکومتی که شعار مردمی می دهد، مشروعیت خود را از مردم می داند، باید به مردمی بودن خود ایمان داشته باشد و کارهای بزرگ و کوچکی را که مستقیماً به مردم مربوط می شود پشت درهای بسته انجام ندهد، با مردم مشوره کند و با مردم در میان بگذارد.

یعنی حکومت باید زمانی که دست به طراحی شناسنامه الکترونیکی زده بود از طریق رسانه های گروهی اعلام می کرد و از طراحان کشور درخواست می نمود که طرح های خود را با این ویژگی ها در اختیار این دستگاه اجرایی قرار دهند. طرح هایی جمع آوری شده انتخاب و در معرض دید و داوری اذهان با سواد مردم قرار می گرفت و از میان آنها یکی انتخاب می شد در این صورت نه توزیع شناسنامه این همه وقت مردم را می گرفت و نه هم اذهان مردم را با تشویش و نگرانی مواجه می کرد.

دست کم گرفتن مردم، سبب می شود که عوارض و پیامدهای نا خواسته ای داشته باشد و یک امر کوچک به یک معضل بزرگ ملی تبدیل گردد.

یکی از پیامدهای بی توجهی به دیدگاه های مردم، آنست که این ذهنیت به وجود آید که حکومت درصدد تحمیل دیدگاه خود بر مردم است.

در جامعه قطب بندی شده ای مثل افغانستان و با توجه به وضعیت آشفته ای که در آن قرار داریم، به وجود آمدن این ذهنیت دور از ذهن نیست. لذا اگر حکومت دارای ذهنیت آشفته نباشد واقعا به شعارهایی که می دهد ایمان و باور داشته باشد و درصدد ایجاد یک فضای سالم انسانی در میان مردم باشد، باید قبل از اقدام عملی، ذهنیت ها را برای عمل خود آماده کند.

آماده کردن ذهنیت ها، مشارکت مردم در اموری است که مربوط به خود مردم می شود. حتما حکومت افغانستان می داند که آگاهان و باسودان کشور تنها به گرد حکومت جمع نشده اند، هستند خلاقیت های فکری که دارای دیدگاه و نظر هستند و می توانند حکومت را یاری رسانند.

اما؛ متاسفانه حکومت افغانستان چنان دچار تزلزل و بی برنامهگی است که حتا اولویت های کاری خود را نمی داند. رئیس جمهور یک لحظه به فکر روابط با پاکستان است ولحظه دیگر به فکر شناسنامه وتوزیع آن می افتد وحتما لحظه های بعد به فکر های بعد الی اخ....

این دخالت های بی رویه و نا بجا بیانگر اشرف و تسلط رئیس جمهور را بر اوضاع کشور نیست، بلکه آشفتنگی ذهنی و روانی شخص رئیس جمهور و حکومت گران افغانستان را به نمایش می گذارد.

این حکومت نه چون یک سیستم سیاسی و بروکراسی جدید است که هر کدام در جایی نشسته و کاری انجام دهد بلکه چنان یک قشله نظامی است که تمام تصمیم گیریها به یک فرمانده سپرده شده باشد.

در این صورت نه کاری از پیش می رود و نه هم ذهنیت شفافی برای مردم ایجاد می شود و نه کارهای مهم و اساسی در کشور صورت می گیرد. به هرحال هر انسانی دارای توانایی های محدودی است. هیچ انسانی نمی تواند همه امور یک کشور را مدیریت کند، لازمه یک مدیریت کارآمد آن نیست که به هر جای سرک بکشد و همه امور توسط او انجام پذیرد، بلکه مدیریت سالم به مدیریتی گفته می شود که از تمام ظرفیت های یک جامعه و کشور و دستگاه حکومت استفاده مطلوب وبهینه صورت گیرد که شور بختانه این ظرفیت در حکومت گران کشور ما وجود ندارد.

ازاین جهت است که هیچ یک از نابسامانی های ما به سامان نمی رسد، وضعیت هر روز آشفته تر از روز گذشته می شود و هر حادثه کوچکی چون شبنمی در خانه مورچه است که به ویرانی آن می انجامد.

معاون اول رئیس جمهور در عملیات پاکسازی روستای شاخ ولسوالی قیصار ولایت فاریاب گفت که جنگ فاریاب و شمال کشور از سوی سازمان استخباراتی پاکستان راه اندازی شده است و فتوای جهاد از سوی عالمان دین در برابر پاکستان آگاهانه است.

وی افزود که اکنون روستای شاخ به امن ترین بخش فاریاب تبدیل

از این هیچ شرکتی داروهای پاکستانی را وارد نخواهند کرد. مسؤولان اتاق های تجارت و صنایع از این اقدام اتحادیه شرکت های واردکننده دارو استقبال می کنند؛ اما می گویند که برای جلوگیری کامل واردات داروی پاکستانی حکومت نیز باید با ما همکاری کند.

مسؤولان اتحادیه شرکت های وارد کننده دارو می گویند که با ادامه

موضع گیری سیاسی دیگری جدی می گیرند و از آن پشتیبانی خواهند کرد؛ زیرا این سخنان نشان می دهد که از صداقتی عمیق برخوردار است و رابطه نزدیکی با واقعیت های جاری در کشور دارد.

اگرچه پیش از این، اشرف غنی؛ رئیس جمهور هم گفته بود که ما در طول این مدت، با پاکستان در یک جنگ اعلام نشده قرار داشتیم و از این

از گسترش جنگ تا تحریم داروهای پاکستانی

به سمت یک جنگ اعلام شده می رویم؟



به باور شماری از آگاهان اگر شرکت های افغان تمهد شان برای جلوگیری از واردات داروهای پاکستانی به کشور را عملی کنند، بسیاری از کارخانه های تولید داروهای پاکستان با رکود روبرو خواهند شد.

افزایش حمله های هراس افکنانه در کشور که گفته می شود به دستور پاکستان صورت می گیرد، پس از این از تجارت دارو با پاکستان که سالانه در حدود ۴۰۰ میلیون دالر است، دست می کشند.

این اقدام در پی آن صورت می گیرد که پس از حمله های خونین و بی سابقه اخیر در کابل، بسیاری از شهروندان کشور در حرکتی غیر سازمان دهی شده اما کاملاً یکصدا و هماهنگ، خواستار تحریم اقلام و کالاهای پاکستانی شدند.

این طرح در شبکه های اجتماعی، فراگیر شد و هزاران بار به وسیله کاربران، تبلیغ و به اشتراک گذاشته شد.

این در حالی است که گفته می شود در حال حاضر ۵۰ درصد داروهای مورد نیاز کشور از پاکستان وارد میشود و در این بخش سالانه بیش از ۴۰۰ میلیون دالر نصیب کارخانه های دواسازی پاکستانی می شود.

به باور شماری از آگاهان اگر شرکت های افغان تمهد شان برای جلوگیری از واردات داروهای پاکستانی به کشور را عملی کنند، بسیاری از کارخانه های تولید داروهای پاکستان با رکود روبرو خواهند شد.

در همین حال، گروهی از کارشناسان می گویند توسعه دامنه جنگ میان افغانستان و پاکستان و آشکار شدن این جنگ، ممکن است با تبعات سختی نیز همراه باشد؛ به ویژه از این نظر که افغانستان از نظر اقتصادی هنوز هم وابسته به پاکستان است و بخش عظیمی از کالاهای مورد نیاز مردم افغانستان از بازارهای پاکستان تامین می شود.

اما با این وصف، ناظران می گویند مسؤول هرگونه پیامد جانبی توسعه جنگ با پاکستان، دولت افغانستان است. دولت وظیفه دارد که برای نیازهای ما از پاکستان، بدیل های جایگزین و مناسب، پیدا کند و مهم تر از همه اینکه به رویکردهای فریبکارانه، غیر شفاف و پنهانکارانه در رابطه با پاکستان پایان بدهد.

پس، تلاش می کنیم به یک صلح اعلام شده برسیم؛ اما به گفته کارشناسان و با استناد به سخنان اخیر دوستم و نیز به شهادت وضعیت جاری در کشور، پاکستان هیچگاه در پی واگذاری جنگ اعلام نشده در برابر صلح اعلام شده نیست. این جنگ حتی دیگر اعلام نشده هم نیست. شواهد بارز و آشکاری وجود دارد مبنی بر اینکه پاکستان رسماً، رأساً و مستقیماً در جنگ افغانستان شرکت دارد و اسناد و شواهد سازمان های امنیتی کشور نیز مؤید این حقیقت است که نظامیان پاکستانی رهبری جنگ در افغانستان را بر عهده دارند.

آقای دوستم از مردم و طالبان دستگیرشده در این بخش پرسید که در دو سال پس از مرگ ملا عمر چه کسی در این بخش ها والی و ولسوال نام نهاد معرفی می کرد؟ وی افزود که اکنون همه به این بازیها پی برده اند. معاون اول رئیس جمهور ادامه داد: «می خواهیم به دنیا نشان دهیم که این جنرالان پاکستان به نام شیخ در افغانستان آمده و چه می کنند.»

معاون اول رئیس جمهور می گوید که پس از این فاریاب نه جایی برای طالبان خواهد بود و نه داعشیان می توانند در این بخش ها پایگاه های نظامی داشته باشند. وی یکبار دیگر از برنامه های بزرگ امنیتی خود سخن می زند و می گوید که قصد راه اندازی عملیات های بزرگ در دیگر بخش های کشور را دارد.

با این حساب، برای نخستین بار در ۱۵ سال اخیر، شاهد یک جنگ واقعی و بزرگ علیه تروریسم پاکستانی در افغانستان هستیم؛ جنگی که جنرال دوستم رهبری ابتدایی آن را بر عهده گرفته و انتظار می رود به سرعت به الگویی فراگیر در سراسر کشور بدل شود.

در رویدادی دیگر، اتحادیه شرکت های وارد کننده دارو واردات داروهای پاکستانی را به کشور منع کرد. مسؤولان این اتحادیه می گویند که در واکنش به افزایش حملات انتحاری و انفجاری در کشور که گفته می شود دست پاکستان در عقب آن است، پس

شده و از تمامی مردم می خواهم تا از موضع گیری حکومت در برابر طالبان پشتیبانی کنند.

در روستای شاخ ولسوالی قیصار دیدن شمار زیادی از نیروی نظامی به ویژه معاون اول رئیس جمهور در میان مردم برای باشندگان این بخش، خوشی و سرور فراوان به بار آورده است. همه بر ضد پاکستان شعار می دهند و می گویند که اگر دست سازمان استخبارات نظامی پاکستان در پشت نامنی های شمال کشور نباشد، هیچ کسی نمی تواند امنیت این بخش را خراب کند و برای مردم وحشت بیافریند.

با این حساب، به باور کارشناسان، جنگ در فاریاب همان گونه که جنرال دوستم هم گفته است، جنگ همه مردم افغانستان است. از سوی دیگر به گفته او، پشت سر تروریست های در حال جنگ در فاریاب و سایر نقاط کشور، آی اس آی قرار دارد؛ بنابراین، هرچه دامنه جنگ با تروریسم گسترده تر می شود، ابعاد جنگ افغانستان و پاکستان نیز گسترش پیدا می کند.

آقای دوستم در میان مردم این روستا گفت که وعده های پاکستان برای کشاندن طالبان بر میز گفتگو حقیقت نداشته است و پس از هر وعده پاکستان در افغانستان ده ها انفجار و انتحار رخ داده است.

عبدالرشید دوستم اظهار داشت: «حتماً صحبت های شورای علما را در کابل شنیده باشید، فتوا دادند که جهاد علیه پاکستان. این علما از روی شرع این حرف را می زنند. مردم افغانستان همه امپراتوری های بزرگ را شکست داده اند. این پاکستان چه می تواند؟»

سخنان دوستم، به عقیده بسیاری از کارشناسان، درست مانند یک فرمانده نظامی، شجاعانه، بی پرده و عاری از هرگونه سیاسی کاری ریاکارانه بود.

او صریحاً پاکستان را مسؤول شناخت و بدون هیچ ترس و هراسی اعلام کرد که این جنگ بر علیه پاکستان است.

مردم افغانستان نیز بدون تردید سخنان جنرال دوستم را بیشتر از هر

گزارش

برنامه های اقتصادی رییس جمهور

از ایده تا اجرا

ادامه از صفحه اول / او ایده های اقتصادی بزرگتر برای توسعه و پیشرفت کشور در افق های دور و درازمدت دارد.

با این حساب شاید بتوان به اشرف غنی لقب رییس جمهوری با طرح های بزرگ اقتصادی داد.

او که مدعی است زمانی یکی از مهم ترین تئوریسین های فعال در حوزه اقتصاد جهانی بوده و با مؤسسات و سازمان های بزرگ اقتصاد بین المللی نیز همکاری داشته، می گوید برای توسعه اقتصادی افغانستان هم استراتژی های بسیار مدرن، پیشرفته، کارآمد و کاملاً منطبق با وضعیت اجتماعی و جغرافیایی کشور، ثروت و منابع ملی، معادن و استعداد و قابلیتی که شرایط خاص اقلیمی و جغرافیایی افغانستان از آن برخوردار است، در نظر دارد.

آقای غنی را از این نظر شاید بتوان با برنامه ترین نامزد ریاست جمهوری افغانستان در هردو انتخابات ریاست جمهوری سال های اخیر، قلمداد کرد.

او بارها گفته است که در نظر دارد افغانستان را به چهارراه اقتصاد و تجارت قاره کهن تبدیل کند.

او همچنین گفته است که معادن افغانستان به اندازه ای غنی و سرشار از منابع دست نخورده زیرزمینی است که می تواند تا ۴۰۰ سال آینده اقتصاد کشور را بیمه کند و افغانستان را به بالاترین قله های پیشرفت و توسعه اقتصادی در منطقه و حتی جهان برساند.

آقای غنی نسبت به موقعیت جغرافیایی کشور و شرایط منحصر به فرد آن در میان کشورهای همسایه و منطقه نیز بی توجه نیست و امید دارد که با استفاده بهینه از این شرایط و موقعیت، بتواند به سرعت جایگاه کشور را در سطح منطقه و کشورهای همسایه، به لحاظ موقعیت استراتژیک اقتصادی، ارتقا دهد و سهم شایسته افغانستان از اقتصاد منطقه ای و بین المللی را برای کشور، به ارمغان آورد.

اما مرد ایده های بزرگ اینک در مخصصه ای گرفتار شده است که به نظر می رسد از حل کوچک ترین گرفتاری های اقتصادی و معیشتی مردم اش نیز ناتوان است. فرار دسته جمعی مردم از کشور، یکی از نشانه های ناکامی غیر قابل کتمان او در عرصه حکومت داری است. بسیاری از ناظران مسایل اقتصادی می گویند رییس جمهور، فقط با ایده های بزرگ اش زندگی می کند و تصور می کند که می تواند با این ایده ها شرایط واقعی زندگی مردم را نیز دستخوش تغییر کرد.

به باور منتقدان سیاست های اقتصادی رییس جمهور، او به زمینه های عملی اجرای ایده های بی ماندش، کمتر توجه می کند و این پائنه آشیل برنامه های بلندمدت اقتصادی اوست. به عقیده آنها، آقای غنی آنقدر در افق های دور آینده سیر می کند و تصویر و تصویری انتزاعی و امیدبخش از آتیه اقتصاد افغانستان برای خود پرورش داده است که ظاهراً نمی تواند به این نزدیکی ها نظر کند.

به همین دلیل است که وقتی کشور روز به روز در منجلاب جنگ و ناامنی و بحران و فقر و بی کاری و بی خانمانی و اختلاف فاحش و وحشت بار طبقاتی فرو می رود، آقای غنی همچنان از تبدیل کشور به چهارراه اقتصاد آسیا سخن می گوید؛ طرحی که در خوش بینانه ترین حالت، بین ۱۵ تا ۲۵ سال زمان نیاز دارد.

کارشناسان مسایل اقتصادی اما می گویند که رییس جمهور البته تقصیری در این زمینه ندارد. او در نهایت یک تئوریسین خوب است؛ کسی که به لحاظ نظری می داند افغانستان در نقشه اقتصادی جهان، در کجا قرار دارد و چه گنج های پنهانی زیر پای ساکنان آن واقع شده است. این درک واقعی و درست اما، او را از دیدن واقعیت های عینی و در دسترس بازمی دارد.

او برای آینده ای ۴۰۰ ساله برنامه می ریزد، در حالی که تا حدود چهار سال دیگر باید قدرت را به دیگری واگذار کند.

این نگاه انتزاعی نمی تواند جایگاه خود را در واقعیت های جاری جامعه و کشور ما، باز کند.

آقای غنی یک تئوریسین اقتصادی خوب است؛ اما شاید مدیریت و اجرای او به اندازه تئوری پردازی اقتصادی اش، خوب نباشد.

بنابراین به عقیده کارشناسان، او نیاز به یک تیم اجرایی باسواد، متعهد، پاک، مسؤول و مدیر برای اجرای ایده ها و نقشه هایش دارد.

او باید تغییر را از هوای خاک آلود کابل و از کوچه های خاکی و خامه لوکس ترین مناطق پایتخت آغاز کند. او به جای سیر در آفاق اقتصادی هند و چین، از زندگی رقت بار هزاران نفر در پایتخت کوچک افغانستان، خبر بگیرد و برای بازسازی و توسعه اقتصادی و ایجاد زیربناهای پایتخت، در کوتاه مدت فکری بکند.

او مهم تر از همه نیاز دارد که برای اجرای طرح ها و نقشه هایش در زمینه توسعه اقتصادی افغانستان، مردم، افکار عمومی، جامعه، سرمایه گذاران و نیروی کار ارزان و جوان افغانستان را متقاعد کند که آینده ای چنین روشن در انتظار ماست، پس صبر کنید، امید داشته باشید و کمک کنید

رییس جمهور

۲۰ درصدی شد

در این مورد نیز به عقیده کارشناسان، فاکتورهایی مانند قومیت، حزب سیاسی و سمت، تاثیرات آشکار خود را داشته و شهروندان ساکن مناطقی که به طور سنتی حامی داکتر عبدالله محسوب می شوند، از عملکرد او ابراز رضایت کرده اند؛ همانگونه که در مورد اشرف غنی نیز عین همین اتفاق وجود داشته است.

این امر، اصالت، درستی و نگاه به این گونه نظرسنجی ها به عنوان یک معیار علمی سنجش افکار مردم را زیر سؤال می برد و شاخص های علمی یک نظرسنجی واقعی را کمرنگ می سازد.

اما در هردو مورد، کاهش شدید میزان حامیان دو رهبر، نشان دهنده ناکامی آنها در امر حکومت داری و کسب رضایت مردم با عمل به وعده های داده شده، می باشد.

در مورد دلیل نارضایتی مردم از آقای عبدالله باید گفت که او بالاترین میزان آرای واقعی مردم افغانستان را با خود داشت و نسبت به اشرف غنی، از حمایت و پایگاه اجتماعی بسیار نیرومندی برخوردار بود؛ اما پس از رسیدن به قدرت، برنامه ای برای خدمت به مردم نداشت و بدتر از آن اینکه اشرف غنی توانست از مسیرهای مختلف، سلطه خود را بر دولت گسترش دهد و در نهایت، آقای عبدالله خود به یکی از مهره های زیردست اشرف غنی بدل شد و این بدون تردید، چیزی نبود که مردم و رأی دهندگان میلیونی آقای عبدالله از او انتظار داشتند.

در هر دو مورد روستانشینان و زنان در مقایسه با شهرنشینان و مردان بیشتر از کارکردهای رئیس جمهور و رئیس اجرائیه راضی هستند.

۶۳.۵ درصد گفتگو شوندهگان از بدتر شدن وضع دستخوانهای شان پس از ایجاد حکومت وحدت ملی گپ زده اند. همچنین ۲۴.۴ درصد تغییری را در دستخوانهای شان احساس نکردند و ۲.۳ درصد در این باره دیدگاهی نداشته اند و تنها ۹.۸ درصد از تغییر مثبت در دستخوانهای شان سخن گفته اند.

ناخشنود هستند.

این به عقیده کارشناسان نشان می دهد که دست کم بخشی از موضع گیری ها در حمایت از کارنامه رییس جمهور، مبنای قومی داشته است.

از جانب دیگر، بهبود نسبی وضعیت امنیتی در شرق و جنوب کشور و انتقال ناامنی ها به شمال و بخش هایی از مرکز کشور به علاوه تبعیض های آشکار اقتصادی و توسعه ای که سال هاست بر مردم مناطق مرکزی اعمال می شود، افزون بر معضل کوچی ها و مسایل دیگر، احتمالاً در نگاه و نظر شهروندان این مناطق نسبت به کارنامه آقای غنی اثرگذار بوده است.

در خصوص اینکه چرا مردان بیشتر از زنان از کارنامه آقای غنی ناراضی اند نیز باید گفت که احتمالاً دلیل این امر این است که بخش عظیمی از معضلات و بحران هایی مانند ناامنی، فقر، بیکاری و ضعف اقتصادی در هر کشور و جامعه ای روی دوش مردان است و به همین دلیل، به نسبت وسعت بحران های مربوط به این بخش ها، مردان بیشتر از زنان، نارضایتی نشان داده اند.

از دید گفتگو شوندهگان کارنامه رییس اجرائیه نیز با کارنامه رییس جمهور تفاوت زیادی ندارد.

میزان ناخشنودی مردم از کارکردهای رییس اجرائیه با افزایش پنج درصدی در مقایسه با دور پیش ۴۸.۲ درصد است. تنها ۱۹.۴ درصد کارکردهای او را قناعت بخش گفته اند. در حالی که ۲۴ درصد گفتگو شوندهگان از کارکردهای وی به صورت نسبی رضایت نشان داده اند، ۸.۳ درصد در این باره چیزی نگفته اند. کارکردهای رییس اجرائیه بیشتر با تأیید مردم شمال روبرو شده و از سوی مردمان بخش های مرکزی کمتر پذیرفته شده است.

اقتصاد فعال و پویا نباشد... چگونه می توان با برپایی یک کنفرانس همه چیز را حل کرد؟ این نظرسنجی که در گفتگوی تلفنی با ۲ هزار و ۳۷۴ تن در چهار ولایت کشور انجام شده نشان می دهد که ۵۲.۱ درصد گفتگو شوندهگان کارکرد رییس جمهور غنی را قناعت

عمومی از وضع موجود و نبود هیچگونه افق و چشم اندازی در زمینه یک آینده روشن و امیدبخش، شکست روند صلح و... معضلاتی نیستند که صرفاً با برگزاری یک نشست خبری مشترک میان غنی و عبدالله حل و فصل شوند. در این شکی نیست که برگزاری

ملی هیچ کنفرانس خبری مشترک با حضور رییس جمهور و رئیس اجرائیه نداشته ایم در حالی که حکومت باید با مردم گفتگو کند».

کارشناسان اما می گویند که با برپایی کنفرانس مشترک هم مشکلی حل نخواهد شد. معضلاتی که حکومت وحدت ملی از آن رنج

نظرسنجی تازه تلویزیون محلی طلوع نیوز و نهاد ا تی آر از کاهش رضایتمندی مردم از کارکرد رهبران حکومت وحدت ملی حکایت دارد. این نظرسنجی نشان می دهد که کمتر از ۲۰ درصد مردم از عملکرد رییس جمهور راضی هستند. از آغاز حکومت وحدت ملی تاکنون تلویزیون محلی طلوع نیوز چهار بار درباره چگونگی کارکردهای حکومت وحدت ملی نظرسنجی کرده است.

در نخستین نظرسنجی طلوع نیوز که در نخستین روزهای ایجاد حکومت وحدت ملی انجام شد ۵۹.۹ درصد گفتگو شوندهگان از کارکردهای رییس جمهور غنی ابراز رضایت کامل کردند.

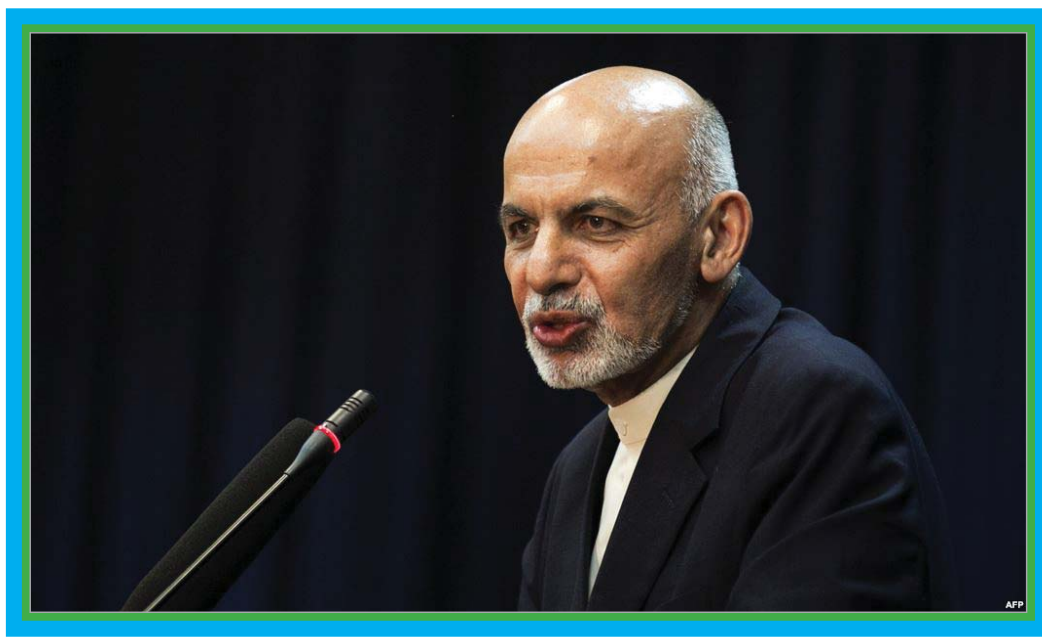
این آمار پس از صد روز نخست حکومت وحدت ملی به ۲۷.۵ درصد کاهش یافت.

در نظرسنجی سوم طلوع نیوز این درصد بازم کمتر شد و به ۲۵.۵ درصد رسید و سرانجام در نظرسنجی تازه این درصد به ۱۹.۸ درصد کاهش یافته است.

اگرچه کارشناسان می گویند که مشخص نیست که این نظرسنجی ها تا چه میزان بر پایه اصول علمی سنجش افکار عمومی استوار است و به صورت متدیک و کاملاً منطبق بر متدولوژی نظرسنجی های علمی انجام می شود؛ اما در همین حد هم به نظر می رسد یافته های این نظرسنجی تازه با نگاه عمومی مردم به حکومت، همخوانی نزدیکی وجود دارد.

لطف الله نجفی زاده؛ رییس شبکه محلی طلوع نیوز درباره این نظرسنجی گفت: «این نظرسنجی یک تغییر چشمگیر و کاهش جلدی میزان حمایت و رضایت مردم را از هردو رهبر حکومت وحدت ملی نشان می دهد. نکته مهم این است که در حدود ۶۵ درصد از بدترشدن وضع دستخوان های شان سخن زده اند که این یک پیام بسیار منفی است».

وی در پاسخ به این سؤال که حکومت باید چه اقدامی برای جلوگیری از افزایش این فاصله کند گفت: «ما در طول حکومت وحدت



به عقیده کارشناسان، فاکتورهایی مانند قومیت، حزب سیاسی و سمت، تاثیرات آشکار خود را داشته و شهروندان ساکن مناطقی که به طور سنتی حامی داکتر عبدالله محسوب می شوند، از عملکرد او ابراز رضایت کرده اند؛ همانگونه که در مورد اشرف غنی نیز عین همین اتفاق وجود داشته است.

بخش نمی دانند. ۱۹.۸ درصد از کارکردهای رییس جمهور غنی به گونه کامل راضی هستند و ۲۲.۱ درصد از کارکردهای رییس جمهور به صورت نسبی رضایت نشان داده اند.

در این میان بیشترین رضایت را باشندگان بخشهای شرقی داشته اند و کمترین آن را باشندگان بخشهای مرکزی کشور و مردان بیشتر از زنان از کارکردهای رییس جمهور غنی

چنین نشستی و در نتیجه آن گفتگوی سران حکومت با مردم، شاید بتواند به حدس و گمان های جاری در خصوص آینده حکومت و جنگ شدید قدرت میان دو طیف تشکیل دهنده دولت، پایان بدهد؛ اما وقتی فساد باشد، فقر باشد، ناامنی باشد، انتخابات پارلمانی نباشد، اصلاحات سیاسی و انتخاباتی نباشد، مدیریت و اداره سالم و پاسخگو نباشد، خدمات ابتدایی دولتی نباشد، کار نباشد،

می برد بزرگتر و ریشه ای تر از آن است که صرفاً با برپایی یک کنفرانس تصنعی سیاسی بتوان از آن عبور کرد. وضعیت نابسامان امنیتی و اقتصادی، نبود یک چشم انداز روشن و امیدبخش در حوزه اصلاحات سیاسی، ناتوانی و ناکامی بارز سران حکومت از برگزاری انتخابات مهم پارلمانی، تمدید نامشروع کار پارلمان کنونی، شیوع روزافزون فساد، سوء مدیریت، فقر، بیکاری و سرخوردگی

وزیر اطلاعات و فرهنگ در اجلاس اتحادیه رادیو و تلویزیون های اسلامی در تهران عنوان کرد:

برخی رسانه ها در افغانستان به سود شبکه های هراس افگنی و افراطیت تبلیغ می کنند



شر افراطیت و هراس افگنی نجات دهیم.

وی گفت: در این خانه مشترک هماهنگی کامل وجود دارد که افراطیت و هراس افگنی بیگانه با اسلام است و هرگز افراطیت خوب و بد وجود ندارد.

جهانی عنوان کرد: افراطیت به حیوان خطرناکی مانند است که کاربرد ابزار آن در ضرب المثل مشهور ما به یاد می آورد که عاقبت گرگ زاده گرگ شود گرچه با آدمی بزرگ شود. پس نگذاریم گرگ زاده ها بزرگ شوند از اینجا است که نقش رسانه هایی که متعهد اند

مزه آزادی را چشیده بودند در برابر جنایات و افراطی گری سکوت نکرده و دست به افشاگری زدند.

جهانی افزود: رسانه های افغانستان خفقان را شکستند و در برابر استکبار ایستادگی کرده و تلاش کردند تا هویت واقعی طالبان را برملا کرده و طرفداران این گروه را نیز معرفی کنند.

وی ادامه داد: در این موقعیت بسیاری از رسانه ها مورد تحریم واقع شدند و بسیاری از خبرنگاران نیز به شهادت رسیده و تلاش شد تا جلوی صدای آنها گرفته شود.

وزیر اطلاعات و فرهنگ با اشاره به اهمیت شناخت افراطی گری گفت: باید این مقوله را شناخته و بدانیم که با افشاگری بر علیه آنها می توانیم به نتیجه مطلوب برسیم و از سوی دیگر جلوی رشد آنها را بگیریم.

وزیر اطلاعات و فرهنگ عنوان داشت: با وجود وضعیت ملتهب در عراق، سوریه، پاکستان و افغانستان از کشورهای اسلامی می خواهم با راهکارهای مشخص در تفاهم و همگرایی منطقه ای و ساز و کارهای عملی کشورها، جهان را از

مبارکه الکافرون که پیروان مذاهب غیر اسلام حتی بت پرستان را در انتخاب نمودن دین خود مختار می داند و ده ها آیات قرآنی، بیانات و اشارات واضحی از اعتدال دارد که نظیر آن در کمتر ادیان دیده و شنیده می شود.

جهانی تصریح کرد: مفکوره یکجا نمودن افراطیت با نام اسلام وقتی قوت بیشتر گرفت که ۱۹ تروریست عرب دانسته یا ندانسته دو آسمان خراش آمریکا را به آتش کشیدند.

وزیر اطلاعات و فرهنگ گفت: افراطیت که فکر می شد لانه آن در افغانستان سوزانده و از بین برده خواهد شد بیرون از سرحدات افغانستان حتی بیرون از سرحدات جهان عرب همه جهان را به ناامنی بی سابقه مواجه ساخته است.

وزیر اطلاعات و فرهنگ تصریح کرد: مطبوعات افغانستان که بعد از سکوت و خفقان دوره طالبان تازه

وزیر اطلاعات و فرهنگ با بیان اینکه افراطیت از نقش رسانه ها استفاده ابزاری می کند تصریح کرد: برخی رسانه ها خواسته یا ناخواسته به تبلیغاتی می پردازند که به سود پدیده افراطیت است.

به گزارش خبرگزاری آوا، عبدالباری جهانی وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان که در مراسم افتتاح اجلاس مجمع عمومی اتحادیه رادیو و تلویزیون های اسلامی در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران صحبت می کرد با بیان اینکه جای افتخار است که امسال هیأت افغانستان برای اولین بار در اجلاس مجمع عمومی رادیو و تلویزیون های اسلامی اشتراک می کند گفت: من به نمایندگی از کشورم برگزاری این جلسه را گامی مؤثر در تشریک مساعی و تجارب بین کشورهای اسلامی و منطقه می دانم.

وی گفت: چندی است که افراطیت با نام اسلام گره خورده است و جایی که صحبت از دهشت و تروریست به میان می آید خواهی نخواهی اشاره ای به اسلام می شود حال آنکه از سوره

عملیات خورشید

چهار، تروریستان را در بغلان از پای در آورد

عملیات خورشید چهار که از سوی نیروهای پولیس، اردو و امنیت ملی در بغلان شروع شده منجر به پاکسازی ده ها قریه از وجود تروریستان شد.

به گزارش آوا، عملیات خورشید چهار که چند روزی است در منطقه غوری شهر پلخمری مرکز ولایت بغلان آغاز شده، نیروهای پولیس، اردو و امنیت ملی ده ها قریه را از وجود تروریستان پاکسازی کردند و برخی نامی هایی که در این مسیر وجود داشته، از میان برداشته اند.

این عملیات تاکنون ۱۸ هراس افکن کشته و ۲۷ هراس افکن دیگر زخمی شده و در حال حاضر عملیات تصفیه ای در شماری از مناطق نامن دیگر در ولایت بغلان هم چنان به شدت جریان دارد.

این عملیات تصفیه بی به هدف تأمین امنیت بهتر، جلوگیری از بازگشت هراس افگان به محل و ایجاد فضای امن به مردم محل در منطقه دند غوری شهر پلخمری به راه انداخته شده است.

ما در حمایت از مظلوم توجهی به مذهب نمی کنیم / تشدید اختلاف در دنیای اسلام ممنوع است

حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای صبح دیروز (دوشنبه) در دیدار علما، صاحبزنان و میهمانان اجلاس مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و اجلاس اتحادیه رادیو تلویزیونهای اسلامی، مبارزه با نقشه های استکبار در منطقه را مصداق بارز جهاد فی سبیل الله خواندند و افزودند: نقشه نظام سلطه در منطقه بر دو پایه ایجاد اختلاف و نفوذ استوار است که باید با نقشه های صحیح هجومی و دفاعی به مبارزه هوشیارانه و بی وقفه با آن پرداخت.

به گزارش خبرگزاری آوا، امام خامنه ای با اشاره به برگزاری ششمین مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، لازمه پیروی از اهل بیت پیامبر صلوات الله علیهم اجمعین را ترویج معارف اسلامی، اقامه احکام الهی، مجاهدت در راه خدا با همه وجود، و مبارزه با ظلم و ظالم برشمردند و تأکید کردند: مجاهدت در راه خدا فقط به معنای جنگ نظامی نیست بلکه شامل مبارزه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نیز می شود.

حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای خاطرنشان کردند: امروز مصداق عینی مجاهدت در راه خدا شناخت نقشه های استکبار در منطقه اسلامی و بویژه منطقه راهبردی و حساس غرب آسیا و برنامه ریزی برای مبارزه با آنها است که این مبارزه باید شامل مقابله دفاعی و مقابله هجومی باشد.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به توطئه های استکبار در منطقه در یکصد سال گذشته گفتند: اگر چه توطئه های استکبار در منطقه اسلامی، سابقه ای طولانی دارد اما فشارها و توطئه ها از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تشدید شد تا این تجربه در دیگر کشورها تکرار نشود.

ایشان خاطرنشان کردند: نظام جمهوری اسلامی از ۳۵ سال گذشته همواره هدف تهدیدها، تحریم ها، فشارهای امنیتی و توطئه های گوناگون سیاسی بوده و ملت ایران به این فشارها عادت کرده است.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: البته توطئه های دشمنان در منطقه غرب آسیا، بعد از نهضت بیداری اسلامی که چند سال قبل از شمال آفریقا آغاز شد، به دلیل سراسیمگی دشمن شدت بیشتری گرفت.

حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای گفتند: تصور آنها این است که توانسته اند، نهضت بیداری اسلامی را سرکوب کنند اما این نهضت سرکوب شدنی نیست و همچنان ادامه دارد و دیر یا زود واقعیت خود را نشان خواهد داد.

امام خامنه ای، نظام سلطه و در رأس آن ایالات متحده آمریکا را مصداق عینی و مظهر کامل «مفهوم دشمن» خواندند و تأکید کردند: آمریکا هیچ بهره ای از اخلاقیات انسانی ندارد و بدون هیچ ابائی و در پوشش الفاظ زیبا و لبخند، دست به خیانت و جنایت می زند.

رهبر انقلاب اسلامی سپس، به تبیین نقشه دشمن در شرایط کنونی پرداختند و افزودند: این نقشه بر دو پایه «ایجاد اختلاف» و «نفوذ» استوار است.

امام خامنه ای درخصوص طراحی دشمن برای اختلاف انگیزی خاطرنشان کردند: ایجاد اختلاف میان دولتها و

خطرناک تر از آن میان ملتها در دستور کار استکبار قرار دارد.

ایشان با اشاره به اینکه در مقطع فعلی برای ایجاد اختلاف میان ملتها از عناوینی همچون شیعه و سنی استفاده می شود، و امریکاییها را شاگرد آنها خواندند و افزودند: ایجاد گروههای جرار، هتاک و جبار تکفیری که امریکاییها به دست داشتن در ایجاد آنها اذعان کرده اند، مهمترین ابزار برای ایجاد اختلاف های به ظاهر مذهبی میان ملتها است که متأسفانه برخی مسلمانان ساده لوح نیز به

خوب با همسایگان و دولتهای اسلامی و بویژه ملتهای منطقه گذارده است.

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: مبنای رفتار جمهوری اسلامی ایران، اصولی است که امام بزرگوار (ره) بواسطه پابندی به آنها توانست انقلاب اسلامی را پیروز کند و به مرحله ثبات برساند.

امام خامنه ای «اشدء علی الکفار و رحماء بینهم» را یکی از اصول و مبانی مستحکم نظام اسلامی خواند و تأکید کردند: ما براساس درس امام بزرگوار (ره) و خط مسلم جمهوری اسلامی، با



ایشان با اشاره به اینکه در مقطع فعلی برای ایجاد اختلاف میان ملتها از عناوینی همچون شیعه و سنی استفاده می شود، انگلیسی ها را متخصص اختلاف افکنی و امریکاییها را شاگرد آنها خواندند و افزودند: ایجاد گروههای جرار، هتاک و جبار تکفیری که امریکاییها به دست داشتن در ایجاد آنها اذعان کرده اند، مهمترین ابزار برای ایجاد اختلاف های به ظاهر مذهبی میان ملتها است که متأسفانه برخی مسلمانان ساده لوح نیز به دلیل نداشتن بصیرت، فریب این توطئه و نقشه را خورده و در داخل طراحی دشمن قرار گرفته اند.

دلیل نداشتن بصیرت، فریب این توطئه و نقشه را خورده و در داخل طراحی دشمن قرار گرفته اند.

رهبر انقلاب اسلامی نمونه واضح این موضوع را مسئله سوریه بیان کردند و گفتند: هنگامی که در تونس و مصر، حکومتهای طاغوتی با شعارهای اسلامی سرنگون شدند، امریکاییها و صهیونیستها تصمیم گرفتند از این فرمول برای نابودی کشورهای مقاومت استفاده کنند و به همین دلیل به سراغ سوریه رفتند.

امام خامنه ای خاطرنشان کردند: بعد از آغاز ماجرای سوریه، عده ای مسلمان بی بصیرت در نقشه طراحی شده قرار گرفتند و با پر کردن جدول دشمن، کشور سوریه را به چنین وضعیتی رساندند.

ایشان تأکید کردند: آنچه که امروز در عراق، سوریه، یمن و مناطق دیگر در حال روی دادن است و تلاش می شود از آن به عنوان «جنگ مذهبی» یاد شود، به هیچ وجه جنگ مذهبی نیست بلکه جنگ سیاسی است.

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: امروز مهمترین وظیفه، تلاش برای از بین بردن این اختلافها است. حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای گفتند: ما صریحاً و علناً گفته ایم که جمهوری اسلامی ایران دست دوستی را به سوی همه دولتهای اسلامی منطقه دراز می کند و با دولتهای مسلمان هیچ مشکلی ندارد.

ای امریکا خواندند و افزودند: آنها به دنبال تجزیه کشورهای منطقه و ایجاد کشورهای کوچک و تابع هستند اما به حول و قوه الهی این اتفاق رخ نخواهد داد.

امام خامنه ای هشدارهای قبلی خود را درباره تلاش امریکا برای تجزیه عراق یادآوری کردند و افزودند: برخی، از آن سخنان تعجب می کردند اما امروز امریکایی ها بصراحت از تجزیه عراق دم می زنند.

حضرت امام خامنه ای افزودند: تجزیه عراق و اگر بتوانند سوریه، هدف مشخص امریکایی هاست اما تمامیت ارضی کشورهای منطقه و عراق و سوریه برای ما بسیار مهم است.

رهبر انقلاب در ادامه تبیین تقابل سیاستهای منطقه ای جمهوری اسلامی با سیاستهای رژیم ایالات متحده، افزودند: ایران، از مقاومت در منطقه از جمله مقاومت فلسطین کاملاً دفاع می کند و از هرکسی که با اسرائیل مبارزه می کند و رژیم صهیونیستی را می کوبد حمایت خواهد کرد.

ایشان مقابله با سیاستهای تفرقه انگیز امریکا و مراکز اختلاف افکن را از دیگر سیاستهای اصلی ایران برشمردند و تأکید کردند: ما تشیعی را که پایگاه و مرکز تبلیغاتش لندن است و نقش جاده صاف کن استکبار را ایفا می کند اصولاً تشیع نمی دانیم.

رهبر انقلاب اسلامی، دفاع جمهوری اسلامی ایران از همه مظلومان از جمله مردم بحرین و یمن را خاطرنشان کردند و افزودند: برخلاف ادعاهای بی پایه، ما در این کشورها دخالتی نمی کنیم اما به حمایت از مردم مظلوم ادامه می دهیم. ایشان با انتقاد شدید از کشتار مظلومان یمن و ویران کردن این کشور گفتند: پیگیری برخی اهداف سیاسی آن هم با روشهای حماقت آمیز، باعث ادامه جنایات در حق مردم یمن شده است.

حضرت آیت الله خامنه ای در جمع بندی این بخش از سخنانشان افزودند: در مناطق دیگر جهان اسلام از جمله پاکستان و افغانستان نیز حوادث دردآوری روی می دهد که مسلمانان باید با بصیرت و هوشیاری این مشکلات را علاج کنند.

امام خامنه ای در بخش دیگری از سخنانشان، اتحادیه رادیو تلویزیونهای اسلامی را مرکزی بسیار مهم برای مقابله با امپراطوری خطرناک و مافیای پیچیده رسانه های امریکایی - صهیونیستی خواندند و افزودند: این حرکت باید کاملاً تقویت شود و گسترش یابد.

ایشان فاصله فراوان رسانه های اکثر کشورهای اسلامی از خواستهای مردم مسلمان و تبعیت این رسانه ها از سیاستهای خطرناک استکبار را یادآور شدند و افزودند: «امپراطوری رسانه ای ظالمان»، در عین ادعای بی طرفی، با تحریف و دروغ و انواع روشهای پیچیده، در خدمت اهداف زورگویان جهانی است.

امام خامنه ای در پایان سخنانشان افزودند: با وجود رجزخوانی های استکبار و دنباله های آن، بدون تردید عزت و قدرت اسلام، به برکت حضور مردان و جوانان و زنان مجاهد، روشن و تضمین شده است و آینده منطقه به ملتهای مسلمان تعلق دارد.

خبر

مرگ هایی که زندگی می بخشند

جنرال حمید گل؛ از سران نظامی پاکستانی و رئیس سابق سازمان جاسوسی آی اس آی، به تازگی در اسلام آباد مرد.

مرگ این جنرال ۷۹ ساله پاکستانی، با واکنش گسترده ای در شبکه های اجتماعی و رسانه های کشور مواجه شد.

او در سال ۲۰۱۰، طالبان را نماد مقاومت ملی افغان ها خوانده بود که به گفته او حکمتیار و مجاهدین زیادی در کنار آنها می جنگند و گفته بود که حامد کرزی، دست نشانده بیگانه ها است و طالبان هرگز حاضر نخواهند شد با حکومت او وارد مذاکره برای صلح شوند.

کاربران افغان از او به عنوان «پدر خواننده طالبان» نام برده اند.

صدیق صدیقی؛ سخنگوی وزارت داخله در توئیترش نوشته: «تا همین دیروز در پشت و وحشتی بود که طالبان ایجاد کرده اند.»

ارشد احمدی؛ معاون پیشین وزارت خارجه هم توئییت کرده است: «بالاخره ملاعمر حقیقی مرد.»

با این حساب، مرگ جنرال حمیدگل از آن دست مرگ هایی بود که همه مردم افغانستان را خوشحال کرد. درست مانند مرگ دیگر سران تروریسم از ملاعمر تا رهبر شبکه حقانی.

حمید گل از نظر مردم افغانستان، مغز متفکر افراط گرایی و تروریسم و مسئول قتل هزاران شهروند افغانستان بود.

او با زندگی اش، برای مردم افغانستان مرگ می آفرید، اینک با مرگش برای همین مردم، زندگی می بخشند.

گزارش هایی وجود دارد که نشان می دهد شماری از مردم در شهرهای جنوبی کشور، از شوق مرگ جنرال حمیدگل، شور و شادی به پا کرده اند.

او که روزگاری از تروریست های طالبان خواسته بود که با حمله های انتحاری و تروریستی «برف های کابل را آب کنید» اینک در خیابان های همان کابلی که آرزوی سوختن اش را به گور برد برای مرگ او جشن شادی برپا می شود.

این عاقبت شوم همه کسانی است که زندگی خود را بر پایه مرگ دیگران بنا می کنند و بی رحمانه و گرگ منشانه از استخوان های قربانیان شان برای رسیدن به ترقی دنیوی، نردبان می سازند.

جنرال حمیدگل بدون تردید یکی از اعضای همین خانواده بزرگ بود؛ خانواده ای که دیگر اعضای آن را ملاعمر و بن لادن و جلال الدین حقانی و بقایا و اسلاف شان تشکیل می دهند.

زندگی حمید گل سراسر وقف آفرینش مرگ شد و او با میکیدن خون مردم افغانستان، سازمان مخوف و خون ریز آی اس آی را مدیریت می کرد.

حتی پس از ریاست بر آی اس آی نیز او لحظه ای دست از حمایت از ترور و خشونت و کشتار و خون ریزی و ستم و بی عدالتی و ویرانی و ناامنی و فساد و ظلم و اجحاف و جنایت نکشید و به همین دلیل، آنچه پس از مرگ، از او در خاطره جمعی ملت مظلوم افغانستان به جای ماند تصویر سیاه خون آشامی است که به تماشای سوختن کابل ایستاده است و منتظر است که تروریست های مزدور دست پرورده اش، چگونه برف های کابل را آب می کنند.

مرگ او برای بسیاری از کسانی که به صورت بالقوه در لیست مرگ تروریست های وفادار به مکتب متحجر و منحط او بودند، زندگی بخشید.

با همه این احوال، نباید انتظار داشت که این اتفاق، تغییری بزرگ در سرنوشت جمعی ما به وجود آورد؛ سرنوشتی که حمید گل جزو اصلی ترین استراتژیست ها و طراحان آن بود.

این تغییر هیچگاه رخ نخواهد داد؛ مگر زمانی که ما خود دست به تغییر آن بزیم و بدانیم که قدرت ما در وحدت ماست و ضامن بقای وحدت و قدرت ما، شناخت دقیق دشمن مشترک همه ماست.

حمیدگل، فقط یک فرد نبود. او در سیستمی پیچیده، فقط یکی از مهره های هرچند کلیدی و اثرگذار بود.

به همین دلیل، حتی با مرگ او نیز تا زمانی که این سیستم مرگ آور، به قوت خود باقی است، تغییری رخ نداده است. شادی واقعی زمانی است که تیره و تبار تروریسم، مقطوع النسل شود و زندگی حق انحصاری گروهی مرگ آفرین و تروریست و حامیان مزور و روباه صفت آن نباشد.